

این وضع

نابسامان انفجاری

بدنبال داشت

زین العابدین قربانی

با توجه به تحقیقات مورخان شرق و غرب و اسنادی که در دست است بخوبی روشن میشود که ایران در عصر ساسانیان آماده انفجار عظیمی بود.

«قادیسیه» در برابر سی هزار سرباز مسلمان که فاقد تسلیحات کافی و مدرن بودند، مقاومت کنند (۱) و بالاخره جنگ به نفع مسلمانان، پایان پذیرفت و پایتخت شکوه مند امپراطوری عظیم ایران (مدائن) سقوط کرد و کم کم همه نقاط وسیع کشور به دست حکومت مرکزی اسلام افتاد اینک عواملی که جامعه کهنسال و متمدن ایران آنروز را از درون پوسانده و آماده برای یک انفجار و سپس پذیرش اسلام نموده بود، در چند قسمت مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- فساد رژیم حکومتی

رژیم حکومتی ایران آنروز: مانند دیگر از کشورهای آنزمان، رژیم استبدادی بود. سلاطین ساسانی خود را موجوداتی مافوق

ایران آنروز، در حدود ۱۴۰ میلیون نفر جمعیت داشت و وسعت خاکش ایران کنونی بود با بسیاری از مناطق کشورهای دیگر مانند نواحی بلخ و بخارا و سمرقند و خوارزم و هرات و غزنه و فرغانه و بخش مهمی از عراق و قفقاز... کشور پهناور ایران در زمان ساسانیان، با آنکه وارث تمدنی عالی و دارای موقعیتی خاص بود و یکی از دو قطب مقتدر و با عظمت جهان آنروز به شمار میرفت، در اثر نظامهای غلطی که در آن حکمفرما بود و به خاطر اعمال ناپسند پاره ای زمامداران خود کاهمه و رهبران گمراه مذهبی آن، آنچنان آستان انفجار و گرفتار نارسائی عمومی شده بود که با داشتن مدرن ترین تجهیزات نظامی و بسیج کردن ۱۲۰ هزار سرباز مجهز به فیلهای جنگی نتوانست در جنگ

(۱) کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۳۱۱-۳۱۲

میشد (مانند هرمز چهارم که بدست پسرش خسرو پرویز کور و کشته شد) و گاهی شیرویه شکم پدرش خسرو پرویز را می‌دید و گاهی کودتاها را پی در پی، مملکت را چنان به هرج و مرج و ناآرامی میکشاند که در فاصله چهار سال ده پادشاه عوض میشد (۲) و هزاران نفر به عنوان مخالف و موافق، مقتول و زندانی میشدند!

سلاطین ساسانی در جمیع شئون مملکت فعال می‌باشند بودند و کسی حق نداشت در برابر نظرات آنها عقیده دیگری ابراز نماید.

«طبری» نقل میکند: «انوشیروان در باره مقدار مالیاتهای اراضی و چگونگی نگهداری آنها انجمنی تشکیل داد و نظریه خود را ابراز کرد آنگاه از مردم نیز نظر خواست، کسی برخلاف نظر او سخنی نگفت مگر یکی از دبیران شاه بر آشفت و دستور داد با قلمدان به قدری او را زدند تا هلاک شد! (۳)

و گاهی فرمانهایی از آنها صادر میشد که نشان-دهنده کمال دیکتاتوری آنها است مثل طبری می‌نویسد: «کسری آنچه را که از مردم را حقیر می‌شمرد که هیچ سلطان با تدبیری چنان نمیکند و تکبر و جرأت او بر خدا به جایی رسیده بود که به رئیس نگهبانان خاصه اش «زاذان فرخ» دستور داد تا همه زندانیان را که عددشان به سی و شش هزار نفر می‌رسید، بکشد» (۴)

بشری و فرزندان خدا می‌دانستند! «گریستن سن» در این باره می‌نویسد: «سلاطین ساسانی خود را در کتیبه‌ها همیشه پرستندگان مزداه (مزدیسن) خوانده اند، اما در عین حال خود را شخص ربانی (بنگ) از نژاد خدایان (یزدان) نامیده اند!

شاهپور دوم نامه‌ای که به امپراطور «گنستفانس» نوشته است خود را به القاب مجلل شاه شاهان، قرین ستارگان، برادر مهر و ماه، ملقب نموده است!! خسرو اول به این اوصاف و القاب، مباحثات می‌جوید و خود را «وجودی الهی، نیکوکار و گسترنده صلح و سلم در کشور، واجب الاحترام، نیکبخت، پرهیزگار، کسی که یزدان او را مساعدت مند و صاحب قدرت کرده اند؛ قهرمان قهرمانان، ساخته شده، بصورت یزدان، میخواند! و خسرو دوم حتی خود را چنین خوانده است:

«آدمی فنا ناپذیر از میان خدایان، و خدائی بسیار جلیل در میان مردمان، و صاحب شهرت بسیار و کسی که در طلوع با آفتاب قرین است»! (۱)

با آنکه حکومت امری موروثی و مختم به خاندانهای مخصوصی بود و دیگران هوای آنرا در سر نمی‌پروراندند، در عین حال اعضای همان خاندانها در دست صاحب این مقام به جان یکدیگر می‌افتادند، گاهی پدری به دست پسری کور و کشته

(۱) ایران در زمان ساسانیان ص ۲۸۴

(۲) ایران در زمان ساسانیان ص ۵۲۲

(۳) تاریخ طبری ج ۲ ص ۹۶۰-۹۶۱

(۴) تاریخ طبری ج ۲ ص ۱۰۴۳

غیره ، سه هزارمرد برای پیشخدمتی داشته و او دارای هشت هزاروپانصد اسب سواری و هفتصد و شصت فیل ودوازده هزارقاطر نیز بوده است (۲) او هیچگاه از شهوت رانی سیر نمیشد ؛ دوشیزگان و بیوگان را در هر جا نشانی میدادند به حرم خود می آورد . هر زمان که میل به تجدید فراش پیدا میکرد ، نامه ای چند به فرمانروایان اطراف میفرستاد و در آن وصف زن کامل عیار را درج میکرد ، پس عمال او هر جا زنی را با وصف نامه مناسب میدیدند به خدمت میبردند ، (۳)

پولها و تجملاتی که او در مدت ۳۸ سال از مال ملت جمع آوری کرد به خود اختصاص داد و اقامت شگفت آور است . او تنها در سال هیجدهم حکومتش قریب ۴۶۸ میلیون منقل زر به گنج تیسفون منتقل کرد . دارائی نقد او در سال سیزدهم ۸۰۰ میلیون منقال طلا و در سال سیام ۱۵۰۰ میلیون منقال بود ؛

از این گذشته مقدار کثیری جواهرات و جامه های گرانبها داشت که بیشتر از عجایب روزگار بود . افزایش ثروت او در سالهای اخیر به سبب وصول بقایای مالیاتی بود که بدون اندک ترحم و رعایتی از مردم میگرفتند از این گذشته مبالغی زیاد به عنوان غرامت اموالی که از خزانه اوسرقت شده یا بطرق مختلفه تلف گشته بود از مردم میگرفت (۴) البته باید توجه داشت که این زراندوزی ها و ولخرجی ها اختصاص به خسرو پرویز نداشته

«تعالیمی» درباره قساوت و خود کامگی «خسرو» چنین مینویسد : «خسرو را گفتند : فلان حاکم را به درگاه خواندیم تملل ورزید . جواب داد اگر برای او دشوار است که به تمام بدن نزد ما آید ، ما به جزئی از تن او اکتفا میکنیم ؛ تا کار سفر بر او آسان تر شود ؛ بگوئید سر او را به درگاه ما بفرستند ! » (۱)

دربار ساسانی به قدری در عیش و نوش و زرافندوزی و ولخرجی اسراف می کرد که نقل همه آنها نیازمند به تألیف کتاب مستقلی است و ما تنها به گوشه ای از زندگی افسانه ای «خسرو پرویز» که معاصر با اسلام بوده با اتخاذ سند از مورخان معسوف می پردازیم :

طبری درباره او اینطور مینویسد : هیچ يك از سلاطین مانند او مال و ثروت جمع نکرده است ، سواران او به قسطنطنیه و آفریقا رسیده بودند ، زمستان را در مدائن و تابستان را میان آن و همدان به سرمیبرد ، میگویند : او دوازده هزار زن و کنیز و نهصد و نودونه فیل و پانصد مرکوب سواری از اسب تا قاطر داشته است او از تمام مردم نسبت به جمع آوری جواهرات و ظرفهای قیمتی و نظائر آنها علاقه مند تر بوده است .

و به نقل دیگر سه هزار زن که با آنها هم خوابگی میکرد و هزاران کنیز برای خدمت و رقص و آواز و

(۱) ایران در زمان ساسانیان ص ۴۷۳

(۲) تاریخ طبری ج ۲ ص ۱۰۴۱

(۳) ایران در زمان ساسانیان ص ۴۹۶-۴۷۵

بر درآمد» و «مالیات اراضی» و «مخارج فوق العاده» و «تجته هاء و هدهایای روزهای عید و عزا» وجود داشت «دانیل دفیت» در کتاب «جزیه در اسلام» مینویسد: «حدود سی نوع عوارض در ایران دوره ساسانی برای اخذی از مردم وجود داشته و حتی طبقات بالا از طبقات پائین جزیه میگرفتند!» در حالیکه بسیاری از اشراف و روحانیون ثروتمند به بهانه های مختلف از پرداخت مالیات معاف بودند، (۳)

در عین خدائی از ترس خواب و آرام نداشتند!

سلاطین ساسانی از مردم توقع بندگی داشتند ولی از خشم ملت بقدری می ترسیدند که شب چهل موضع به عنوان اطاق خواب برای آنها در نظر میگرفتند و گاهی میشد که در هیچ يك از آنها نمیخواستند!

«گریستن سن» در این باره مینویسد: «کسی که میخواست محضر آنها شرفیاب شود پس از تحویل اجازه رسمی که خود تشریفات زیادی داشت، می باید دستمال «پی تی دان» بمنظور جلوگیری از آلوده شدن «فرشاهی» از بخار دهان به دهان بگیرد، و در برابر آنها به خاک بیافتد و سجده کند، و تا اجازه ندهند بر نخیزد، آنگاه بادیست سلام دهد، و پس از صدور اجازه سخن گفتن، سخن را با دعا به جان آنان بدین عبارت آغاز میکرد:

بلکه بسیاری از سلاطین ساسانی: دارای چنین وضعی بودند مثلاً «یزدگر» آخرین پادشاه ساسانی هنگامی که از مدائن فرامی کرد افراد و ائانه ای که با خود همراه می برد عبارت بود از: هزار نفر طبایح، و هزار تن رامشگر، و هزار تن یوزبان، و هزار تن بازبان، و جماعتی کثیر از سایر خدمه همراه او بودند و او این گروه را هنوز کم میدانست! (۱) و قتیکه خود آنها تا این اندازه عیاش باشند طبعاً حاشیه نشینان آنها نیز از باب «اگر زباغ رعیت ملک خورد سببی» بر آوردند غلامان او درخت از بیخ دست کمی از آنها نخواهند داشت.

«گریستن سن» درباره اندوخته های یکی از اساتیداران دولت انوشیروان در ایالت آذربایجان چنین مینویسد: «دو بار هزار دینار پول نقد، سیصد هزار دینار وسائل تجمل و متاع زرینه و سیمینه، پانصد هزار دینار جواهرات، در خراسان و عراق و آذربایجان شهری نبود که در آن ده پاره یا هفت پاره ملک و آسیاب و کاروانسرا و گرمابه مستقل نداشته باشد.

سی هزار چهارپا، هزار و هفتصد غلام رومی و حبشی و چهارصد کنیز نیز داشته است! (۲) باید توجه داشت که این ثروتها و اسراف و تبذیرها همه از دسترنج طبقه ضعیف و مولد که خود با فقر و بدبختی دست یه گریبان بودند تأمین می گردید. عناوین فراوانی از قبیل مالیات

(۱) ایران در زمان ساسانیان ص ۵۲۵

(۲) ایران در زمان ساسانیان ص ۳۹۹

(۳) محمد خاتم پیامبران ص ۷۶

(۴) ایران در زمان ساسانیان ص ۲۲۴

و گاهی پادشاه در هیچکدام آنها نمیخواید بلکه شب را در اطاعتی محقر به سرمیبرد و بجای نازبالتش سرزیر بازوی خود قرار میداد ! (۱)

بطوریکه بعداً توضیح خواهیم داد این اوضاع نابسامان و حکومت‌های فاسد جان مردم را به لب آورده منتظر یک انفجار عظیم و نجات‌دهنده‌ای بودند که اسلام آمد و مردم را از بندگی غیر خدا نجات بخشید .

جاویدان باشید، کامیاب باشید ، و آنها را با جملات :
 شما وجود الهی، اولین انسان خطاب مینماید و دو ..
 در جای دیگر مینویسد : و اقدامات مخصوصی
 برای حفظ جان سلاطین از سوء قصد به عمل می‌آمد،
 هیچکس محل خواب سلطان را نمیدانست همانطور
 که اشاره شد نقل می‌کنند : که برای اردشیر اول
 و خسرو اول و خسرو دوم و بسیاری از پادشاهان
 ساسانی چهل بستر در نقاط مختلف تهیه میکردند

ضایعه اسفناک

با کمال تأسف در ماه گذشته (۱۴ صفر ۱۳۹۲) حضرت آیت‌الله فاضل‌لنگرانی که یکی از شخصیتهای علمی و روحانی و اساتید با سابقه حوزه علمیه قم بود بدرود زندگی گفت . فقید سمید در سال ۱۳۱۴ هجری قمری در لنگران قفقاز دیده به جهان گشود ، و تحصیلات ابتدائی و قسمتی از سطوح عالی را در اردبیل و زنجان به پایان رسانید ، و برای تجدید دیدار از بستگان رهسپار وطن گردید ، سپس به علی‌زاد گاه خود را به عزم اقامت در مشهد ترک گفت و مدتی از محضر مرحوم آیت‌الله آقای آقا میرزا محمد آقا زاده استفاده نمود . و پس از تأسیس حوزه علمیه قم رحل اقامت در قم افکند ، و از حوزه درس دوزعیم بزرگ شیمه مرحوم آیت‌الله حائری و مرحوم آیت‌الله بروجردی استفاده کامل برد ، و به تربیت گروهی از فضلا پرداخت .

از آثار علمی وی تقریرات سلوة حائری ، و تملیقه‌ای بر درر الاصول و نهاية الاحکام که يك جلد آن چاپ شده است و يك سلسله رساله‌های مختلف ، می باشد .

ما این ضایعه بزرگ را به جامعه روحانیت مخصوصاً به بازماندگان ایشان تسلیت می‌گوئیم .